

کنکاش

علیرضا قره‌کوزلو



نهضت ترجمه و آثار آن در صدر اسلام

ترجمه خودباورانه به شکوفایی تمدن اسلامی کمک کرد

■ **قدمت ترجمه در ایران پیش از اسلام**
اگرچه در طول تاریخ ایران با توجه به گستردگی مرزهای جغرافیایی و مرادات با تخصصات مرزی با دول مجاور، استفاده از فن ترجمه برای برقراری ارتباطات در سطح سیاسی متداول بوده است. اما اولین حرکت سازمان یافته در راستای ترجمه حوزه فکر و اندیشه در ایران باستان و سلسله ساسانیان اتفاق افتاد. به گزارش برخی تواریخ، اردشیر بابکان سر سلسله ساسانیان پس از تسلط بر وضع کشور و فراغ از درگیری‌ها اقدام به اعزام گروهی از اندیشمندان به کشورهای مختلف جهت تسخیر اداری از برخی کتب کرد و مخصوصاً در کاوش آثار مکتوب به‌جا مانده از تمدن‌های پیشین مانند کشور عراق و انتقال آن به ایران را مورد توجه قرار داد.

از نخستین آثاری که از زبان پهلوی به عربی ترجمه شد، می‌توان از کتاب «کلیله و دمنه» نام برد. این کتاب ارزشمند از مشهورترین آثار ادبی هندی است که در عهد ساسانیان توسط بزروهه طبیب از سانسکریت به پهلوی برگردان شد.

شاپور و پس از وی انوشیروان نیز به موضوع ترجمه کتاب خصوصاً در علوم طبیعی و طبابت اهمیت داده و دانشگاه و بیمارستان جندی شاپور که در آن فلسفه و طبابت تدریس می‌شد از دستاوردهای همین دوران هستند.

در این مدارس بسیاری از اساتید از کشورهای غربی و تحت سیطره امپراتوری روم به ایران آورده شده بودند و حتی برخی از آنان به دلیل طرد شدن از سوی حکومت روم به دلیل نشر عقاید ناسازگار با مذهب رسمی حکومت خودخواسته به ایران پناهنده شده بودند و مورد استقبال ایرانیان قرار گرفتند.

آثار این دوران اندوخته خوبی برای نهضت ترجمه که در سده‌های نخستین ظهور اسلام عمدتاً در ایران به وقوع پیوست، به جای گذاشت. ایران در آن سال‌ها به عنوان بنستر مناسب برای آزاداندیشی و توسعه مانی علوم طبیعی فلسفی توسط اندیشمندان کشورهای دور و نزدیک قرار گرفت و دانشگاه جندی شاپور عملاً به یک مرکز علمی بین‌المللی تبدیل شد. این اسناد و تجربه‌ها به دوران ایران پس از اسلام نیز منتقل شد و مهم‌ترین نتیجه آن تقویت روحیه علم‌اندوزی و کسب دانش و معرفت از سایر نقاط جهان بود.

■ **نهضت ترجمه در قرون اسلامی**
اسلام برخلاف مسیحیت نه تنها در مقابل علم و دستاوردهای فکری و دانش بشری موضع‌گیری نکرد بلکه در احادیث و سیره پیامبر اسلام تأکید بر لزوم فراگیری حکمت در دورترین جای جهان حتی چین آن روزگار سبب شد بسیاری از عالمان و اندیشمندان به مرادوه علمی با سایر کشورهای صاحب علم بپردازند. فتح اندلس به دست مسلمانان نیز عامل مهم دیگری بود که به همسایگی ایران و تمدن غرب منجر شد و ایرانیان را با عقاید و افکار فلاسفه مشهور غرب باستان آشنا کرد.

در کنار ترجمه برخی آثار یونانی چون مجسطی بطلمیوس و کتاب اقلیدس و نیز تصدای از کتاب‌های ارسطو و همچنین کتاب اثر ماتیپکی (و دیگر آثار کهن یونانی) به زبان عربی به عنوان چند مورد از نخستین ترجمه‌های صورت گرفته پس از اسلام، تا حدودی از همین مسئله نشئت می‌گیرد.

حکومت عباسیان بر اسلام در برخی برهه‌ها به تناسب جنس و دانش‌دوستی خلفا، این نهضت را مورد تأیید و تشویق قرار می‌دهد.

■ **علت اقبال مسلمانان به موضوع ترجمه**
علل بسیاری مسلمانان را به ترجمه کتاب‌ها و متون کهن علمی ترغیب و تشویق کرد که می‌توان آنها را که به دو بخش عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیم کرد. از میان عوامل درونی می‌توان به تأکیدات ویژه قرآن و پیامبر اسلام بر علم‌آموزی و خردورزی اشاره کرد. بعضی

احادیث معرفت و دانش را گمشده مؤمن می‌داند که در هر مکان و زمانی باید آن را فراگرفت. خصوصاً سفرهای مسلمانان به کشورهای مختلف مانند مصر و مشاهده پیشینه تمدنی علمی آنان باعث شده بود مسلمانان احساس عقب‌ماندگی نسبت به باسته و آرماتی که پیامبر و دین برای آنان تصور کرده بود می‌کردند و به فکر ارتقای علمی خود افتادند.

در کنار این مسائل، موضوعاتی مانند اعتقاد خلفا به طابع بینی و علوم‌ی نظیر نجوم و طب در تلاش برای تثبیت وضعیت حکومت خود باعث تشویق عالمان نزدیک به دربار به علم‌آموزی و اطلاع یافتن از آخرین یافته‌های علمی دانشمندان تمدن‌های دیگر و انتقال دانش آنان برای به کارگیری در جهت اهداف داخلی خاصه در دوره برخی حاکمان بنی عباس و نیز برخی جانشینان جمله مغول که پس از عباسیان روی کار آمدند نیز در این موضوع مؤثر بود.

طبیعتاً آگاهی از علوم‌ی نظیر حساب و ریاضیات نیز به حکومت اسلامی در مباحث مرتبط با مالیات، خمس و زکات، اخذ خراج و جزیه و... مخصوصاً با توجه به اینکه مسلمانان عرب تأقیل از اسلام تجربه‌ای در حکومت‌داری در ابعاد یک تمدن نداشتند بسیار کاربردی بود و بسیاری از مشاوران و وزرای خلفای اسلامی که به اداره امور معیشت جامعه می‌پرداختند ایرانیانی بودند که به واسطه تجربه چند صدساله حکومت‌های بزرگ و نیز مرادوه تمدن‌های دیگر در طول سالیان با سیستم‌های اداری و حکومتی آشنایی داشتند.

از دیگر عللی که مراجه به ذخایر دانش سایر تمدن‌ها را ایجاد می‌کرد و منجر به فراگیر شدن نهضت ترجمه در سده‌های نخست اسلامی بود، مسئله معماری و شهرسازی بود که به صورت ویژه در اسلام به آن بها داده شده بود؛ مرادات علمی میان معماران و علمای هندسه کشورهای مختلف در این دوران علاوه بر ثبت

می‌توان الگوی ترجمه صدر اسلام را به عنوان یک رویکرد مناسب نسبت به آثار زبان‌های دیگر تلقی کرد که با جایگزینی آن با مدل ترجمه سده‌های اخیر که سرشار از غریزدگی و خودباختگی فکری و فرهنگی است متفاوت است



دیدگاه

مناظرات علمی که در مراکز دانشی مسلمانان و گاه در بار خلفا به پا می‌شد و طی آن، گروهی از دانشمندان کشورهای خرد و نزدیک برای مباحثه دعوت می‌شدند، انگیزه فراوانی برای عالمان اسلامی ایجاد کرده بود تا با ترجمه رساله‌ها و درک زبان کشورهای علم‌پرور به توان محاجه و مناظره علمی خود بیفزایند

رساله‌ها و مقالاتی در شرح و ترجمه آثار سایر مهندسان (علمای هندسه و حساب) منجر به ساخته شدن بناهای علمی متعدد با آثار فرهنگی متأثر از کشورهای مختلف خرد و نزدیک برای مباحثه دعوت می‌شدند. مناظرات علمی که در مراکز دانشی مسلمانان و گاه دربار خلفا به پا می‌شد و طی آن، گروهی از دانشمندان کشورهای دور و نزدیک برای مباحثه دعوت می‌شدند نیز انگیزه فراوانی برای عالمان اسلامی ایجاد کرده بود تا با ترجمه رساله‌ها و درک زبان کشورهای علم‌پرور به توان محاجه و مناظره علمی خود بیفزایند. شکل‌گیری علمی دانشمندان تمدن‌های دیگر و انتقال دانش آنان برای به کارگیری در جهت اهداف داخلی خاصه در دوره برخی حاکمان بنی عباس و نیز برخی جانشینان جمله مغول که پس از عباسیان روی کار آمدند نیز در این موضوع مؤثر بود.

■ **بره نهضت ترجمه اسلامی**
نهضت ترجمه عبارتی است که علاوه بر اطلاق عام در خصوص حرکت علمی مسلمانان در ترجمه آثار سایر تمدن‌ها به گروهی خاص و محدود از تاریخ اسلام که ناگهان میل مسلمانان به ترجمه این آثار با حمایت حکومت افزایش یافت نیز به کار برده می‌شود. این دوره شامل یک بازه ۱۵ ساله از ۱۷۰ قمری مقارن با دوره حکومت هارون الرشید و مأمون عباسی است.

در دوران هارون الرشید تمرکز در ترجمه برخی از آثار علمی با مشورت و پیشنهاد وزیر خلیفه، یحیی بن خالد برمکی و دعوت از مترجمان سراسر جغرافیای اسلام دوران صورت گرفت که نتیجه آن شکل‌گیری کتابخانه‌های متعدد بود که بسیاری از آنان به بغداد منتقل شدند و به صورت متمرکز در کتابخانه بزرگ بغداد مورد نگهداری قرار گرفتند. اولین آثار علوم یونانی، از جمله کتاب‌های اصول هندسه نوشته اقلیدس در مجسطی، نوشته بطلمیوس و نیز آثاری در پزشکی از زبان هندی در این دوره به عربی ترجمه شد. دوران مأمون نیز

با توجه به رواج بحث‌های کلامی و مناظرات متعددی که امام رضاع) آنها را هدایت و مدیریت می‌نمود، اشتیاق نسبت به اطلاع از عقاید فلسفی به جهان‌شناسی سایر تمدن‌ها افزایش یافت و به ترجمه آثار متعدد فلسفی به زبان عربی انجامید.

■ **نتایج نهضت ترجمه در جهان اسلام**
شکل‌گیری نهضت ترجمه علم و اشتیاق مسلمانان به فراگیری علوم از سایر تمدن‌ها و کشورهای مختلف در حوزه علوم فلسفی و طبیعی بر کات بسیار زیادی به جا گذاشت و سبب تمرکز دانش و برتری علمی تمدن اسلامی برای سالیان زیادی شد.

گرچه موضوع ترجمه و اهمیت آن در رشد و پیشرفت علمی مسلمانان قابل کتمان و انکار نیست اما رویکرد صحیح نسبت به ترجمه آثار و افکار اسلامی بود که تبعات مثبتی برای مسلمانان به همراه داشت. در واقع نفس ترجمه آثار و انتشار آنان هدف نبود بلکه در راستای خدمت به هدف ارتقای علوم اسلامی صورت می‌گرفت. ترجمه این آثار هیچ‌گاه به منزله پذیرش کامل افکار ترجمه شده تلقی نشد و با خودباوری کامل، رده‌ها و نقدهای مختلفی بر بسیاری از رساله‌های ترجمه شده توسط دانشمندان صورت گرفت. حتی در مواردی که محتوای ترجمه شده به عنوان یکی از چارچوب‌های شناختی مورد پذیرش قرار گرفت، دانشمندان مسلمان با جهت‌دهی و تعیین یک‌الگوی فکری منبعث از اسلام آن را تفسیر و ارائه می‌کردند. استفاده فراربی از عقاید و فلسفه افلاطونی و کار بست نظریات ارسطو در مباحث ابن‌سینا به خوبی این مسئله را نشان می‌دهد.

در خاتمه می‌توان الگوی ترجمه صدر اسلام را به عنوان یک رویکرد مناسب نسبت به آثار زبان‌های دیگر تلقی کرد که با جایگزینی آن با مدل ترجمه سده‌های اخیر که سرشار از غریزدگی و خودباختگی فکری و فرهنگی است متفاوت است و طبعاً همین تفاوت رویکرد در ترجمه خصوصاً در موضوع علوم فلسفی و انسانی موجب شده اثر بخشی و نتایج ترجمه علوم انسانی غرب در حال حاضر کاربرد متناسب با نیاز جامعه اسلامی عصر حاضر را نداشته باشد و مدل‌هایی ترجمه‌ای برای مدیریت کلان کشور به دست بدهد که همواره محکوم به شکست بوده است.

پیشخوان

منتشر شد

ایران اسلامی در مواجهه با تکنولوژی غرب

ایران اسلامی با مدرنیته و جهان غربی قلمداد می‌کنند.

فصل سوم اما به رویکرد نه چندان پرسرودا، اما پرسابقه‌های متعلق است که با عنایت به سنت تاریخی-فلسفی ایده‌الیسم آلمانی و به ویژه جورج ویلهلم فردریش هگل به مسئله تکنولوژی به منزله یکی از مصادیق «معضل تاریخی تجدد ایرانی» می‌نگرد. محمدعلی مرادی و ابراهیم فیاض، که عمدتاً از این منظر به مسائل ایران می‌نگردند در این فصل به این میحت پرداخته‌اند.

فصل چهارم به مهم‌ترین رویکرد آکادمیک مطالعات تکنولوژی، یعنی «فلسفه تکنولوژی»، تعلق دارد که با حضور علی پایا، مصطفی تقوی و همچنین حجت‌الاسلام پیروزمند سهیم مهمی از بحث فرهنگی تکنولوژی را در ایران به خود اختصاص داده‌اند.

فصل پنجم کتاب نیز سه وجهه عملی بحث از تکنولوژی، یعنی دانش «سیاست‌گذاری تکنولوژی» در ایران، اختصاص دارد.

در این فصل صاحب‌نظرانی چون رفیعی آتانی، شجاعی زند و حسن بنیانیان از منظری انتقادی به وضعیت سیاست‌گذاری تکنولوژی در ایران پرداخته‌اند و پژوهشگرانی چون طباطبائی‌ان، سوزنجی، نسادری، فاتح‌راد و تقوی در نشست‌هایی به بحث درباره ابعاد سیاست‌گذاری بومی و اسلامی تکنولوژی در ایران پرداخته‌اند.



کتاب «ایران اسلامی در مواجهه با تکنولوژی غرب» تألیف محمدحسین بادامچی با آثاری از سیدحسین نصر، مهدی گلشنی، عبدالحسین خسروپناه، حمید پارسائیان، ابراهیم فیاض و... منتشر شد.

فصل اول به کهن‌ترین سنت فلسفی ایران، یعنی «فلسفه اسلامی»، اختصاص یافته است که چهره‌های شاخصی چون سیدحسین نصر و حضور استادانی چون مهدی گلشنی، حجت‌الاسلام خسروپناه و جمیله علم‌الهدی و بیش از همه با ارائه و مقاله بدیع حجت‌الاسلام پارسائیان ظهور بزرگی داشتند.

فصل دوم به سنت معاصر پُرفنود دیگری اختصاص یافته که در سال‌های پس از انقلاب مهم‌ترین پرچمدار بحث از معضل تکنولوژی در ایران معاصر بوده است. سنت «تکنولوژی به مثابه گشتل» که با جدی گرفتن تأملات فیلسوف آلمانی نیمه اول قرن بیستم،

مارتین هایدگر و اندیشمندانی چون احمد فردید در ایران، تکنیک را فی‌نفسه یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات عمیق مواجهه

درنگ

اعوانی در نشست بزرگداشت سپهرودی:

سپهرودی فیلسوف قرآنی است

واهب‌العلم و بخل ندارد. یعنی حکمت را در نوری چمنی می‌کند. همچنین راسخ در علم است. علم بحثی و استدلالی، ضعیف‌ترین درجه علم است. سپهرودی می‌گوید علم ذوقی و کشفی تجربه دین است. علم دینی مبتنی بر حقایق الیقین است و اساس دین همان علم تحقیقی است. سپهرودی این موضوع را وارد این جریان کرده است.

وی تأکید کرد: اگر مجموع آیاتی را که در رساله الواح عمادیه سپهرودی آورده شده جمع‌آوری کنیم، مسلمانان آثار غزالی آیات بیشتری دارد. بنابراین فلاسفه ما در فلسفه حکمی قرآن سبقت را از همگان ربوده‌اند. فهم حکمی قرآن مهم‌ترین چیزی است که اکنون در عالم اسلام رساله طریقت را مطرح کرده است. بنابراین فهم فلاسفه و حکمای ما از قرآن فهم حکمی بوده است. غربی‌ها این موضوع را کلام می‌دانند در حالی که اشتباه است. متکلم، ملزم به وحی است. بنابراین کلام نوعی انحصارطلبی است یعنی حقیقت را در یک کتاب منحصر می‌کنند ولی حکمت این گونه نیست. سپهرودی در باب فهم حکمی قرآن اصولی را وضع کرده است. فهم حکمی قرآن انسانی توری از حکمت دارد و یکی اینکه هر انسانی توری از حکمت دارد و



بزرگداشت شیخ اشراق با عنوان «سپهرودی در متن آثارش» در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه برگزار شد.

در این مراسم، غلامرضا اعوانی در سخنانی با موضوع بررسی رساله اشارات و تنبیهات سپهرودی، تصریح کرد: سپهرودی در این رساله طریقت را مطرح کرده است. بنابراین فهم فلاسفه و حکمای ما از قرآن فهم حکمی بوده است. غربی‌ها این موضوع را کلام می‌دانند در حالی که اشتباه است. متکلم، ملزم به وحی است. بنابراین کلام نوعی انحصارطلبی است یعنی حقیقت را در یک کتاب منحصر می‌کنند ولی حکمت این گونه نیست. سپهرودی در باب فهم حکمی قرآن اصولی را وضع کرده است. فهم حکمی قرآن انسانی توری از حکمت دارد و یکی اینکه هر انسانی توری از حکمت دارد و

دیدگاه

پرهیز از ایستایی در نظریات علوم انسانی

غربی و غیرغربی تقسیم کرد. عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع) با تصریح بر اینکه وقتی از گذر از علوم انسانی غربی سخن می‌گوییم، به این معنا نیست که علوم رایج را کنار بگذاریم، عنوان کرد: به لحاظ اجرایی و در سطح آکادمیک باید در لبه‌های رایج غربی همواره حرکت کنیم و با جدیدترین نظریه‌ها آشنا باشیم، اما در کنار آن یک سرچشمه جدید می‌توانیم تولید کنیم.

وی در ادامه با بیان اینکه در متون اسلامی و قرآن واژه دین و نه ادیان به کار رفته است، گفت: همه ادیان یکی هستند و سه اصل توحید، نبوت و معاد اصول اساسی همه ادیان هستند گرچه بعضی از متون بعضی از ادیان، دچار دستکاری و تحریف شدند. همچنین شیه‌دین‌هایی نیز پیدا شده‌اند که منشأ الهی ندارند بنابراین علوم انسانی اسلامی در برابر علوم انسانی غربی قرار می‌گیرد زیرا غرب در اینجابه مفهوم دینی نیست.

رضائی ادامه داد: از سوی دیگر شناخت معرفت دین اسلام را که کامل‌ترین دین است در یک طرف قرار می‌دهیم و سایر معارف را پذیرفته‌اند که همه نظریه‌ها، مکاتب، رویکردها و پارادایم‌ها مبتنی و متکی بر یک سلسله مسائل نظری، جهان‌شناختی و فلسفی هستند. هر نظریه‌ای که در هر رشته‌ای از علوم انسانی مطرح می‌شود، رنگ و بوی پس‌زمینه‌های نظری جغرافیایی خودش را دارد و با این رویکرد می‌توان علوم انسانی را به



محمدعلی رضائی، عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع) در گفت‌وویی پیرامون نسبت علوم انسانی اسلامی و غربی با بیان اینکه بحث پویایی و عبور از علوم غربی به غیرغربی فقط در کشور ما مطرح نیست، گفت: علم به طور کلی و علوم انسانی به طور اخص یک تجربه پویاست یعنی در خود غرب نیز روی علوم انسانی و نظریه‌ها ایستایی وجود ندارد و پیوسته و همواره دیدگاه‌ها و رویکردهای جدید مطرح می‌شوند.

وی اضافه کرد: اصل حرکت و پویایی در علم و عبور کردن از وضع موجود، امر پسندیده‌ای است مشروط بر اینکه پیش‌شرط‌های لازم را رعایت کنیم. اندیشمندان دنیا این نکته را پذیرفته‌اند که همه نظریه‌ها، مکاتب، رویکردها و پارادایم‌ها مبتنی و متکی بر یک سلسله مسائل نظری، جهان‌شناختی و فلسفی هستند. هر نظریه‌ای که در هر رشته‌ای از علوم انسانی مطرح می‌شود، رنگ و بوی پس‌زمینه‌های نظری جغرافیایی خودش را دارد و با این رویکرد می‌توان علوم انسانی را به